نجات ۲۰ نفر در آتش‌سوزی هتل

آتش‌سوزی هتل سه طبقه خیابان ناصر خسرو خاموش و ۲۰ نفر نجات پیدا کردند.

به گزارش جام‌جم، جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران گفت: ساعت ۱۱ صبح چهارشنبه، وقوع آتش‌سوزی مجتمع اقامتی در خیابان ناصرخسرو به آتش‌نشانی گزارش شد. آتش‌نشانان چهار ایستگاه آتش‌نشانی برای امدادرسانی در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد که آنجا هتلی سه طبقه بوده که یکی از اتاق‌های حدود ۱۵ متری آتش گرفته و آتش در حال سرایت به بقیه قسمت‌های هتل است.

وی افزود: گروهی از آتش‌نشانان به خاموش کردن شعله‌های آتش پرداختند و گروه‌های دیگر اتاق‌های طبقات را جست‌وجو کرده و ۲۰ نفر را نجات داده و از هتل خارج کردند. این در حالی است که روز سه شنبه نیز طبقه سوم هتلی ۷ طبقه در تقاطع سمیه و مفتح آتش گرفت که مصدومی نداشت.

پشت صحنه یک جنایت

گفت‌وگو با پسری که ناخواسته خواهرش را کشت

زندگی با مرگ سریال زیر تیغ است

معصومه ملکی
حوادث

پسر ۲۴ ساله فکر نمی‌کرد زمانی که برای حرف زدن با خواهرش و آشتی دادن او با شوهرش به خانه آنها می‌رود ناخواسته دست به جنایت زده و مرگ خواهرش را رقم بزند. او در ۱۶ ماهی که راز جنایت را پنهان نگه داشته بود مدام عذاب وجدان داشت و حتی چندبار تصمیم به خودکشی گرفته بود. این هفته «در پشت صحنه یک جنایت» پرونده این قاتل را مرور کردیم و پای صحبت‌های او نشستیم. بازپرس پرونده هم علل وقوع این جنایت را ریشه‌یابی کرده است.

به گزارش جام‌جم، شامگاه هفتم تیر سال گذشته زن ۴۲ ساله‌ای در بیمارستان لقمان تهران فوت شد و خانواده‌اش مدعی بودند که او بعد از خوردن قرص خودکشی کرده است. اما چون مرگ او مشکوک بود ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی پایتخت دوباره دستور داد تا پزشکی قانونی بعد از یک سال از این ماجرا نظر قطعی خود را درباره مرگ این زن اعلام کند. سرانجام کارشناسان نظر دادند که آثار خفگی روی گردن این زن وجود دارد و او خودکشی نکرده بلکه به قتل رسیده است.

همین سرنخ رسیدگی به پرونده را وارد مراحل جنایی کرد. ماموران از خانواده مقتول تحقیق کردند که آنها مدعی شدند به مردی که خواستگار سابق دخترشان بوده مشکوک هستند، چراکه او اموال دخترشان را در اختیار دارد و پس نمی‌دهد و نوه‌شان را هم تلگرامی تهدید می‌کند. این مرد که در بازار میوه و تره‌بار کار می‌کرد بازداشت شد. او در تحقیقات پلیسی مدعی شد که با مقتول ملاقات داشته اما در مرگش نقشی نداشته است. زمانی که ماموران روی این فرد تحقیق کردند، معلوم شد در جنایت نقشی ندارد و او آزاد شد. در این مرحله پلیس احتمال داد که این زن باید قربانی توطئه خانوادگی شده باشد و یکی از اعضای خانواده، او را به قتل رسانده باشد. بنابراین شوهر مقتول به عنوان مظنون بازداشت شد. او نیز مدعی شد که نمی‌داند چه کسی همسرش را کشته و شاید کار اعضای خانواده همسرش باشد. در حالی که این مرد چنین گفته‌هایی را مطرح کرد، چند روز بعد خانواده مقتول برگه‌ای را نزد بازپرس جنایی آوردند که در آن اعلام کرده بودند که درباره مرگ دخترشان از کسی شکایتی ندارند و دامادشان بی‌گناه است.

همین سرنخ بازپرس پرونده را برآن داشت که قاتل پدر یا برادر مقتول است. ابتدا دستور بازداشت برادر ۲۴ ساله مقتول را داد. او یک روز از بازداشتش در پلیس آگاهی نگذشته بود که سکوت خود را شکست و اعتراف کرد که ناخواسته و در جریان دعوا با خواهرش او را با دست خفه کرده و راز جنایت را به خاطر حفظ آبروی خانوادگی پنهان نگه داشته و داماد خانواده بی‌گناه است.

در جریان تحقیقات پدر خانواده که از ماجرای قتل دخترش آگاه بود با دستور قضایی بازداشت شد. او وقتی با پسرش روبه‌رو شد برای این‌که او روانه زندان نشود، اعتراف کرد که او دختر خود را کشته و قاتل است. اما پسر جوان وقتی با این گفته‌های پدر روبه‌رو شد گفت که پدرش فقط ماجرا را می‌دانسته و قاتل نیست و در جریان تحقیقات قضایی. پلیسی دوباره اعلام کرد که خودش قاتل است و هر مجازاتی در انتظارش باشد می‌پذیرد.

بزرگان برای حل مشکل پیش‌قدم شوند

ساسان غلامی
بازپرس دادسرای جنایی تهران

در این پرونده شاهد این هستیم که برادری مرتکب قتل خواهری شده که مادر خانواده و صاحب دو فرزند بوده است. مقتول اختلاف هایی با شوهرش داشته و در صدد جدایی از او بوده، در این گیرودار سر و کله عشقی قدیمی و خواستگار سابق پیدا می‌شود و ابراز علاقه‌ای میان آن دو شکل می‌گیرد. تلاش‌های خانواده هم برای منصرف کردن زن جوان از ازدواج با عشق قدیمی بی‌نتیجه می‌ماند.

گاهی در این‌گونه پرونده‌ها که یکی از اعضای خانواده به قتل می‌رسد، پدر یا برادر نقش اجراکننده جنایت را دارند که در این پرونده برادر دست به قتل زده است.

گاهی دیده می‌شود فرد به خاطر مشکلات یا نبود رضایتمندی در زندگی تصمیم برای جدایی دارد، اما خانواده به خاطر وجود فرزندان مشترک در آن زندگی سعی در مصالحه دارند و نمی‌خواهند این جدایی‌ها انجام گیرد، چه بسا ممکن است همین روند جدا نشدن فرد باعث تبعات و مشکلات بعدی شده و حتی به جنایت ختم شود.

در برخی پرونده‌ها اگر فرد به خاطر ناسازگاری‌هایی که در زندگی با شوهر یا همسرش دارد، جدا شود، آسیب‌پذیری کمتری را طرفین در زندگی متحمل می‌شوند. در این پرونده برادر مقتول مرتکب جنایت شده و طبق قانون او در برابر اتهام مباشرت در قتل عمدی قرار گرفته است که مجازات آن قصاص است.

مجازات قصاص زمانی منتفی می‌شود، که والدین مقتول و فرزندان مقتول به عنوان ولی دم، قاتل را ببخشند و عامل جنایت در دادگاه از جنبه عمومی جرم محاکمه شود. براساس قانون مجازات سه تا ده سال حبس برای وی در نظر گرفته می‌شود اما اگر متهم پرونده بخشیده نشود طبق قانونی در برابر حکم قصاص قرار می‌گیرد.

چه بهتر است که خانواده‌ها وقتی مشکلی برایشان رخ می‌دهد بزرگی از خانواده یا فامیل در حل مشکل پیشقدم شود و آن را حل کند تا باعث نشود دامنه این اختلاف و درگیری‌ها سبب رقم خوردن جنایتی شود.

خون خواهر بیگناهم گرفتارم کرد

۲۴ ساله است و هنوز نمی‌تواند باور کند که ناخواسته دست به قتل خواهرش زده است. عذاب وجدان ۱۶ ماه گریبانش را گرفته بوده و از ترس حفظ آبروی خانواده راز قتل را پنهان نگه داشته بود. او به پهنای صورت اشک می‌ریخت و زیر لب می‌گفت ای کاش آن روز خانه خواهرم نمی‌رفتم که او بمیرد و اکنون مهر قاتل شدن بر پیشانی‌ام حک شود. خانواده‌ام و دو خواهرزاده‌ام را داغدار کردم. این عذاب هیچ‌وقت برایم پایانی ندارد.

چه کاره هستی؟

در فرش فروشی پدرم کار می‌کنم.

ازدواج کردی؟

عقد کرده‌ام و اگر این جنایت رخ نمی‌داد به خانه بخت می‌رفتم، اما نمی‌دانم با فاش شدن این ماجرا همسرم پای قول و قرارمان می‌ماند یا نه.

با خواهرت اختلاف داشتی؟

نه. او از من بزرگ‌تر بود. خیلی دوستش داشتم و به او احترام می‌گذاشتم.

پس چرا او را کشتی؟

نمی‌خواستم او را بکشم. همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد.

از شب جنایت بگو.

خواهرم و شوهرش دچار اختلاف شده و حتی خواهرم درخواست طلاق داده بود. شوهرش- که پسر عمویمان هم هست- خواهرم را دوست داشت و نمی‌خواست به خاطر دو فرزند دخترشان از هم جدا شوند، اما خواهرم ساز جدایی می‌زد. آن روز خواهرم به خانه پدری‌مان آمد. شوهرش هم آمد و قرار شد که آن دو را آشتی دهیم و خواهرم سر زندگی‌اش بازگردد، اما او به محض دیدن شوهرش ناراحت شد و به خانه‌شان در شهرک ولیعصر بازگشت.

بعد چه شد؟

من هم سوار خودرویم شده و دنبال او راه افتادم تا این‌که ساعت ۷ شب به خانه‌اش رسیدم. در زده و وارد شدم. ۱۵ دقیقه با هم حرف زدیم و از او خواستم به این درگیری و دعوا با شوهرش پایان دهد و به خاطر بچه‌ها دیگر حرف طلاق را پیش نکشد و عشق قدیمی‌اش را هم فراموش کند. او مدام فریاد می‌زد و دعوایمان بالا گرفت. می‌ترسیدم همسایه‌ها متوجه شوند و صدایش را بشنوند و بفهمند او می‌خواهد طلاق بگیرد. دست راستم را روی دهانش گرفتم تا صدایش آرام گیرد و فریاد نزند که یک‌دفعه حالش بد شده و کف اتاق افتاد. هر کاری کردم بیدار نشد، ترسیدم و فرار کردم.

بعد از قتل کجا رفتی؟

به سمت خانه حرکت کردم و تلفنی موضوع بیهوشی خواهرم را به پدر و دامادمان گفتم و خواستم برای نجات او به خانه‌اش بروند که آنها به سرعت خودشان را به خانه او رساندند و خواهرم را به بیمارستان بردند اما خیلی دیر شده و فوت کرده بود.

چرا خواهرت قصد جدایی داشت؟

مدتی بود با شوهرش اختلاف داشت و از سوی دیگر بعد از سال‌ها، خواستگار سابقش را دیده و همین باعث شده بود که بخواهد زودتر طلاق بگیرد و با او ازدواج کند.

خواستگار خواهرم، سه ماه قبل از مرگ خواهرم به مقابل مغازه پدرم آمد و لپ‌تاپی که عکس و فیلم‌های او و خواهرم در آن بود را نشان داد و مدام تهدیدمان می‌کرد که باید خواهرم جدا شود و با او ازدواج کند ما هم از این مرد شکایت کردیم اما چون شاهد نداشتیم پرونده مختومه شد.

شاید اگر پای این مرد به زندگی خواهرم باز نمی‌شد او اکنون زنده بود و من قاتل نمی‌شدم.

فکر می‌کردی بازداشت شوی؟

بله. همیشه کابوس دستگیری‌ام را داشتم و حالا که بازداشت شده و اعتراف کرده‌ام از عذاب وجدانم کم شد.

چرا تسلیم نمی‌شدی؟

خیلی ترسیده بودم و به آبروی خانواده‌ام فکر می‌کردم و همین باعث می‌شد راز جنایت را پنهان کنم.

قصد فرار داشتی؟

نه، فقط می‌خواستم خودم را بکشم تا از عذاب وجدان خلاص شوم. حتی سه بار خواستم از پنجره، خودم را به بیرون بیندازم و خودکشی کنم که جرات پیدا نکردم.

در این مدت خواب خواهرت را دیدی؟

چند بار. مدام به من نگاه می‌کرد و سرش را پایین می‌انداخت و من در خواب التماس می‌کردم مرا ببخشد و حلالم کند.

فیلم می‌بینی؟

گاهی اوقات.

زندگی تو مثل کدام فیلم شده؟

مثل سریال زیر تیغ که مردی ناخواسته باعث مرگ همکارش شد. من هم خواستم کاری کنم که خواهرم فریاد نزند و صدایش را همسایه‌ها نشنوند که دستم را روی دهانش گذاشتم و باعث مرگ او شدم.

چه حکمی در انتظارت است؟

اگر والدینم و خواهرزاده‌هایم رضایت ندهند، قصاص می‌شوم و زندگی‌ام برای همیشه نابود می‌شود. از آنها می‌خواهم مرا ببخشند.

از اعدام می‌ترسی؟

بله. اما هر چه خدا برایم مقدر کند را می‌پذیرم.

اگر زمان به عقب برمی‌گشت؟

هیچ‌وقت به خانه خواهرم نمی‌رفتم.

خون مقتول دامان قاتل را می‌گیرد؟

این جمله واقعی است و خون خواهر بیگناهم سرانجام مرا گرفتار کرد.

متهم:
حالا که بازداشت شده و به قتل اعتراف کرده ام از عذاب وجدانم کم شد

آدم‌ربایی با طمع اخاذی یک میلیاردی

آدم‌ربایان که زوج میانسال ورامینی را ربوده بودند، بعد از این‌که خود را در آستانه دستگیری دیدند، قبل از رسیدن به خواسته مالی‌شان، طعمه‌هایشان را رها کردند. متهمان دیروز در دادگاه کیفری در حالی محاکمه شدند که دو عضو این باند فراری‌اند.

به گزارش جام‌جم، تیر ۹۷ فرزندان علی، ربوده شدن وی و مادرخانواده را به اطلاع پلیس رساندند. پسر بزرگ علی در شکایت خود گفت: «چند فرد ناشناس با من تماس گرفتند و گفتند پدر و مادرم نزد آنها هستند و تقاضای یک میلیارد تومان پول کردند و گفتند در غیر این صورت پدر و مادرم را می‌کشند.» رسیدگی به پرونده در دستور کار قضایی قرار گرفت و ماموران دریافتند آدم‌ربایان با ورود به عنف به خانه فرد ربوده شده، پس از سرقت از گاوصندوق و ربودن اشیا عتیقه و خودرویش، زن و مرد میانسال را ربوده و گریخته بودند.

در حالی که ماموران در پی ردی از متهمان بودند، آدم‌ربایان با پسر علی در تماس بودند و به دریافت مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان در قبال آزادی پیرمرد و همسرش رضایت دادند.

با گذشت دو روز از حادثه، خودروی علی در شهرستان نهاوند شناسایی شد و ردیابی متهمان در همان شهر آغاز شد. اما فردای آن روز علی و همسرش به محل زندگی‌شان در ورامین بازگشتند و علی در توضیح ماجرا به پلیس گفت: «آدم‌ربایان چهار نفر از اهالی محل بودند که آنها را می‌شناختم. آنها بعد از سرقت از خانه ما، دست و پایمان را بسته و به دهان ما چسب زدند. بعد با تهدید چاقو و قمه ما را سوار خودرویمان کردند و به همدان بردند. بعد شماره پسرمان را از ما گرفتند تا از او اخاذی کنند، اما وقتی فهمیدند خودرو شناسایی شده، ما را رها و تهدیدمان کردند که اگر آنها را به ماموران معرفی کنیم، انگشتان نوه‌هایمان را قطع می‌کنند.»

چند روز بعد از آزاد شدن علی و همسرش از کارت بانکی آنها که توسط آدم‌ربایان سرقت شده بود خرید شد. خرید از یک طلافروشی انجام شده بود و پلیس خیلی سریع، رد خریدار را زد و به زنی به نام شهلا رسید. شهلا در توضیح ماجرا به پلیس گفت این کارت را شوهرم به من داد و گفت با کل موجودی آن طلا بخرم. به این ترتیب همسر شهلا که یکی از آدم‌ربایان بود دستگیر شد و یکی از همدستان خود را معرفی کرد. اما دو متهم دیگر متواری هستند.

متهمان حاضر در دادگاه موفق به اخذ رضایت شاکی شدند، اما علی و همسرش بر شکایت خود از دو متهم متواری باقی ماندند.

مجید، متهم ردیف اول در دفاع از خود گفت: «اتهام آدم‌ربایی را قبول ندارم. قبلا با این پیرمرد و همسرش یک زمین معامله کردم و روز حادثه آنها به خاطر خرید یک زمین در همدان با ما همراه شدند و بعد هم با پای خودشان بازگشتند.

متهم دیگر به نام هادی در دفاع خود گفت: «در آدم‌ربایی همراه علی و بقیه نبودم. اعترافات قبلی خودم را قبول ندارم و همه آنها را تحت فشار گفتم.

هیچ چیزی از موضوع نمی‌دانم. من یک شاگرد قهوه‌خانه بودم و با زحمت کار می‌کردم و دنبال خلاف نبودم.» دادگاه ختم جلسه رسیدگی را اعلام کرد و رای پرونده بعد از مشورت قضات صادر می‌شود. در مورد متهمان متواری دادگاه رای غیابی خواهد داد.

بعد از پایان جلسه رسیدگی، مادر مجید به همراه خواهران او وارد دادگاه شدند و مادر مجید که به سختی حرکت می‌کرد گفت: «بعد از دستگیری پسرم، از غصه سکته کرده‌ام. از دادگاه تقاضا دارم به خاطر دو فرزند خردسالم در مجازات او تخفیف قائل شوید.»

تلنگر

سارق خودرو با شلیک پلیس کشته شد

پلیس جوان زمانی که با مقاومت سارق خودرو روبه‌رو شد به او شلیک کرد و مرگ سارق را رقم زد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه ۲۱ آبان امسال ماموران گشت پلیس آگاهی تهران هنگام گشتزنی در خیابان شکوفه محله عبدل‌آباد مشاهده کردند خودروی پرایدی در محل پارک شده و مردی حدود ۲۷ ساله راننده آن است. ماموران به استعلام پلاک خودرو پرداختند که مشخص شد خودروی پراید ۱۵ آبان امسال در یکی از محله‌های شهر رباط کریم پارک بوده که به‌طور عادی سرقت شده است. آن زمان مالک خودرو در کلانتری طرح شکایت کرده و پلیس رباط‌کریم در جست‌وجوی سارق خودرو بوده است. ماموران پلیس زمانی که پی بردند خودرو سرقتی است، به سمت خودرو رفتند و در مقابل آن پارک کردند. در همین موقع یکی از ماموران به سمت خودروی سرقتی رفت و از سرنشین آن که پنجره سمت خود را به پایین داده بود، خواست که مدارک هویتی‌اش را نشان دهد و برای ادامه تحقیقات همراه‌شان برود اما راننده بدون این‌که به اخطار پلیس توجه کند، حاضر به پیاده شدن از خودرو نشد و درب‌های خودرو را قفل کرد. او با روشن کردن خودرو به سمت عقب و جلو حرکت می‌کرد تا راهی برای فرار از دست ماموران پیدا کند اما موفق نشد. مامور جوان به لاستیک جلو و عقب سمت راننده شلیک کرد اما سارق همچنان در تلاش برای فرار بود. در این هنگام استوار پلیس گلوله‌ای شلیک کرد که تیر به کتف چپ سارق اصابت کرده و بعد از زخمی کردن کتف به قلب مرد جوان وارد شد. سارق زخمی با حضور اورژانس به بیمارستان منتقل شد اما به دلیل شدت خونریزی فوت کرد. پرونده‌ای در این‌باره تشکیل و برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران ارسال شد. در این مرحله ماموران اداره پلیس جنایی بعد از انگشت‌انگاری از جسد مرد جوان متوجه شدند که او دزدی بوده که در زمینه سرقت لوازم داخل خودرو، کیف‌قاپی و سرقت از خانه‌ها دارای سابقه کیفری است. تحقیقات از مامور جوان نشان می‌دهد او قصد داشته با این شلیک سارق را مجبور کند تسلیم شود اما تیری که شلیک کرده باعث مرگ سارق شده است.

۱۷ ایراد وکیل نجفی به نظریه کارشناسان

وکیل مدافع محمدعلی نجفی از ۱۷ ایراد و ابهام در نظریه جدید کارشناسان در بررسی صحنه قتل میترا استاد خبر داد.

حمیدرضا گودرزی با توجه به این‌که قرار است ششم آذر امسال موکلش دوباره در دادگاه محاکمه شود به تسنیم گفت: ۱۷ مورد ایراد نسبت به نظریه کارشناسی را به دادگاه اعلام کردیم اما دادگاه به‌رغم ابهامات مطروحه، وقت رسیدگی تعیین کرده است. وی افزود: از جمله ایرادات مهم عبارتند از این‌که کارشناسان اسلحه و پزشکی قانونی باید جداگانه درباره مسائل مرتبط با اسلحه و نحوه شلیک گلوله و بالعکس نظر دهند، دوم این‌که پنج نفر از کارشناسان نظر دادند و یکی نظر نداده است، سوم این که اگر شلیک در داخل وان بود باید در وان لکه‌های خون پیدا می‌شد، چهارم این‌که پزشکی قانونی باید دقیق نحوه اصابت گلوله را اعلام می‌کرد. همچنین باید تصویر روشنی از علت این‌که اعلام شده گلوله به دست و سپس به قفسه سینه اصابت کرده برای ما روشن شود. این گزارش حاکی است، محمدعلی نجفی، شهردار اسبق تهران اوایل خرداد امسال میترا استاد، همسر دومش را با شلیک گلوله به قتل رسانده بود.

بازداشت رمال کلاهبردار

رمال دامادنما که کلاهبرداری و اخاذی می‌کرد در مراسم خواستگاری بازداشت شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سینکایی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان قرچک به میزان گفت: این متهم از طریق رمالی و تشکیل موسسات غیرمجاز به نام موسسات علوم قرآنی اقدام به جذب افراد و سوءاستفاده و کلاهبرداری از آنها می‌کرد. ماجرای فعالیت این متهم زمانی فاش شد که دختر جوانی با حضور در دادسرای قرچک از متهم رمال مبنی بر اخاذی و کلاهبرداری ۱۲۰ میلیون تومانی با وعده فریب در ازدواج شکایت کرد. در ادامه تحقیقات متهم در مراسم خواستگاری شناسایی و بازداشت شد. او خود را به دروغ دارای مدرک دکترا در رشته‌های مختلف به قربانیان معرفی و بعد از تعرض و سوءاستفاده از آنها به اخاذی و کلاهبرداری اقدام می‌کرد.